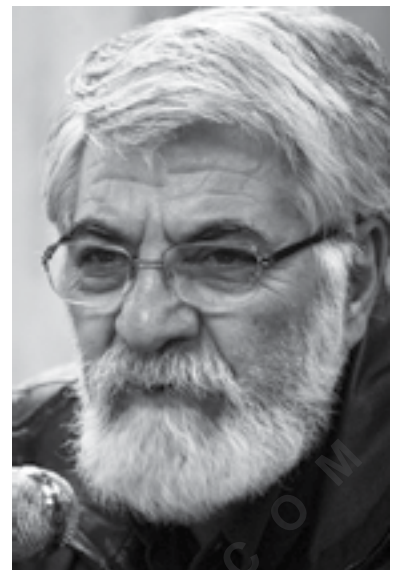


مصاحبه با هنرمندان

# چاپ دستی

یعقوب امدادیان در دی ماه ۱۳۲۷ در شهر تبریز به دنیا آمد. در سال ۱۳۴۵ به هنرستان هنرهای زیبای میرک تبریز وارد شد و سپس در سال ۱۳۴۸ از هنرستان هنرهای زیبای تهران فارغ التحصیل گردید. او دارای مدرک کارشناسی نقاشی از دانشکده هنرهای زیبای تهران و کارشناسی ارشد گرافیک از دانشکده هنرهای تزئینی است. آثار امدادیان در دهها نمایشگاه داخلی و خارجی در قالب نمایشگاه انفرادی و گروهی به نمایش درآمده‌اند. نگارخانه «هور» با مدیریت یعقوب امدادیان با بیش از ۲۰ سال سابقه کارشناسی هنری، سازماندهی و اجرای بینال‌ها و نمایشگاه‌های بزرگ در داخل و خارج از کشور اداره می‌شود.



یعقوب امدادیان

## استاد یعقوب امدادیان [۱]

تهیه و تنظیم: نگارالسادات مرتضوی زاده<sup>[۲]</sup>، محبوبه آذرزاده

چیدمان: به نظر شما چقدر زمان می‌برد تا در کشور ما جا بیفتد که تکنسین‌ها تیراژ کارها را یاد بگیرند؟

کارهای عملی را حتماً باید اجرا کرد تا به چم و خم آن آشنا شد و باید تجربیات دیگران را مطالعه کند و تا شخص وارد این عرصه نشود هیچ وقت تجربه پیدا نمی‌کند. بخشی نیز کار تکنیکی است که شخص باید تکنسین درجه یک باشد و می‌تواند یک تکنسین درجه یک باشد ولی هنرمند نباشد، و در اروپا نیز تکنسین‌های درجه یک زیادی وجود دارند که هنرمندان به گردش نمی‌رسند و هنرمندان کار می‌کنند و آن‌ها چاپ می‌کنند و تیراژ می‌گیرند و به همین علت کیفیت کارشان خیلی بالاست و کار خیلی سختی است که هنرمند وقت بگذارد و یک تکنسین هم باشد. بعضی افراد هستند که به صورت تقنین در نقاشی به این شیوه کار می‌کنند و اگر بخواهند در چاپ وقت بگذارند باید کل زمان را صرف چاپ کنند در صورتی که افرادی هستند که اگر این تکنیک را انجام می‌دهند حتی خیلی بهتر از من از نظر تکنیکی، منتهی کار هنری کار من باید باشد. الان هم در خیلی از کشورهای اروپایی کارگاه‌هایی هستند که فقط تیراژ می‌گیرند و اگر

۱- این مصاحبه در بهار سال ۱۳۹۱ صورت گرفته است.

۲- کارشناسی ارشد نقاشی دانشگاه تهران

آرتیست خواسته باشد لیتوگرافی کار کند روی سنگ یک اتودهایی می‌کند و تکنسین چاپ می‌گیرد وقتی که به یک مرحله‌ای رسید که هنرمند تأیید کرد بعد تیراژ می‌گیرد.

**چیدمان: برخورد مخاطبان در برگزاری نمایشگاه‌های چاپ‌های دستی چگونه است؟**

نمایشگاه چاپ دستی زیاد شناخته شده نیست، یا وقتی بحث چاپ می‌شود، هنوز مردم با چاپ تیراژدار و افسست مقایسه می‌کنند و فرق بین دو چاپ را زیاد تشخیص نمی‌دهند.

از قبل خیلی علاقه داشتیم به اینکه این هنر را بیشتر به مردم بشناسانم و هشت سال پیش که این گالری را باز کردم شروع کردم به برنامه‌ریزی برگزاری سالی یک الی دو نمایشگاه چاپ، که به شکلی بخشی از جامعه هنری و عمومی را با این هنر و رشته آشنا کنم. تیراژ زیاد و ارزان بودن از خاصیت‌های چاپ دستی است و این باعث می‌شود اثر هنری بیشتر به خانه‌های مردم برود. سالی یک الی دو نمایشگاه چاپ را در گالری هور برگزار می‌کنم حال یا گروهی اند یا انفرادی.

**چیدمان: در بعضی از نمایشگاه‌های چاپ‌های دستی کارهایی از هنرمند می‌بینیم که تک نسخه‌ای هستند، به نظرتان این با مبحثی که شما مطرح فرمودید مغایر نیست؟**

وقتی آرتیستی به طرف چاپ می‌رود حتماً به خاطر تیراژ آن است وگرنه رنگ و قلم خود را برداشته و روی یک بوم کار می‌کند. وقتی هم که تک نسخه‌ای باشد در حقیقت ما آن خاصیت را از آن گرفته‌ایم، دیگر معنی چاپ پیدا نمی‌کند فقط روش کار، چاپ می‌شود چون وقتی می‌گوییم چاپ است باید تیراژ هم همراهش بیاوریم و در لغتش مستتر است وقتی می‌گوییم چاپ؛ یعنی یک چیز تیراژدار. بنابراین هنرمندان باید توجه داشته باشند که کاری انجام می‌دهند حداقل تیراژ ۱۰

الی ۱۵ را داشته باشند که بتوانند بگویند این چاپ است.

**چیدمان: نظرتان در مورد قیمت گذاری آثار چاپ دستی چیست؟**

قیمت چاپ باید به‌گونه‌ای باشد که به‌عنوان مثال یک تابلو ۷۰×۵۰ که پنج میلیون تومان قیمت دارد وقتی تیراژمان ۱۰۰ عدد است باید این قیمت را بر ۱۰۰ تقسیم کنیم و سرشکن کنیم روی تیراژ. یا اگر هنرمندی کارش یک میلیون تومان قیمت دارد وقتی تیراژ چاپ می‌گیرد باید سرشکن شود.

**چیدمان: به نظر شما جایگاه چاپ‌های دستی در فضای هنری ما چگونه است و گالری‌ها در این میان چه نقشی دارند؟**

خوشبختانه بعد از اینکه گالری من این راه را پیش گرفت گالری‌های دیگر هم نمایشگاه چاپ برگزار کردند و عملاً در تهران سالی حداقل چهار الی پنج خبر نمایشگاه چاپ‌دستی را داریم و این جای خوشحالی است البته برای جامعه ایران و جامعه هنری ایران این مسأله چاپ زیاد آشنا نبود یا امکانات چاپی وجود نداشت که بتوانند استفاده کنند و این هم به نحوی دارد عمل می‌شود که تولید پرس و ایجاد کارگاه‌های چاپ که قبلاً اگر پرس چاپ می‌خواستند حتماً باید از اروپا وارد می‌شد، خوشبختانه هم اکنون در ایران پرس ساخته می‌شود و همین کمک خوبی است. چاپ دستی خیلی شیرین و جذاب است و حس کنجکاوی آدم را بیشتر تحریک می‌کند و از این نظر برای هنرمندان خیلی مفید است، مخصوصاً طیف جوان که خیلی هم علاقه‌مند شدند و کار می‌کنند خوشبختانه دانشکده‌های مختلف هم رشته یا واحدهایی هست که این درس را دارند.

**چیدمان: نقش اقتصادی چاپ‌های دستی چگونه است؟ و چه پیشنهادی برای گالری‌داران دارید؟**

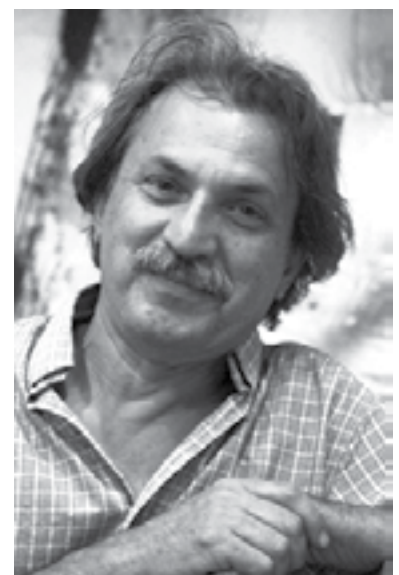
به نظرم گالری‌داران باید شروع کنند به پشتیبانی کردن از کارهای چاپ و دامن بزنند به این جور نمایشگاه‌ها و در حقیقت از امکان تیراژدار بودن و ارزان بودن چاپ استفاده کنند و باعث شوند که خریدار بیشتر شود و کارها بیشتر به خانه مردم برود و عملاً گالری من این کار را انجام داده است. حتی در سال ۱۳۸۶ نمایشگاه چاپ از هنرمندان خارجی و با همکاری همایون سلیمی نیز داشته‌ام.

**چیدمان: در حال حاضر سلیقه مخاطبان آثاری با ابعاد بزرگ است به نظرتان چاپ‌دستی با این مقوله چگونه کنار آید؟**

مقوله چاپ یک چیز جدا از نقاشی است، بازار نقاشی نیز دو شکل است؛ یا کارهای کوچک را می‌خرند که برای منزل استفاده می‌کنند و یک بخشی هم کلکسیونرها هستند که کارهای بزرگ را می‌خرند. ولی در مورد چاپ این اتفاق به شکل دیگری است و اصولاً چاپ سطح و اندازه بزرگ ندارد و مجموعه‌داران آن باید خاص باشند و هنوز ما مجموعه‌دار چاپ نداریم. بعضی از مجموعه‌داران با این مقوله آشنا شده‌اند و کارهای چاپ را می‌خرند و نگه می‌دارند مثلاً اگر نقاشی را از پنجاه سال پیش داشته باشیم یک همچین کاری در زمینه چاپ از چهار الی پنج سال پیش داریم و اگر هم کسانی این کارها را خریده‌اند به این منظور نبوده که کلکسیونری از کارهای چاپی داشته باشند و به منظور اینکه در کلکسیون نقاشی‌شان چند نمونه کار چاپی باشد آن را خریداری کرده‌اند. کسی که به معنای واقعی به چاپ علاقه داشته باشد و یک کلکسیونر چاپ باشد؛ نداریم. من فکر می‌کنم در چند سال آینده این اتفاق خواهد افتاد و این به حمایت گالری‌داران بستگی دارد. ■



فارغ التحصیل هنرستان هنرهای زیبای تهران در سال ۱۳۵۴ .  
 فارغ التحصیل دانشکده هنرهای تزیینی، ۱۳۶۴ .  
 کارشناس ارشد چاپ های دستی از دانشگاه «کومپلوتنسه Complutense»، دانشکده هنرهای زیبای مادرید.  
 کارشناس ارشد نقاشی از دانشگاه کومپلوتنسه، دانشکده هنرهای زیبای مادرید.  
 دکتری طراحی از دانشگاه کومپلوتنسه مادرید، ۲۰۰۸ .  
 بورسیه منظره دانشگاه کومپلوتنسه مادرید، ۱۳۶۹ .  
 برنده جایزه اول منظره دانشگاه کومپلوتنسه مادرید، ۱۳۷۰ .  
 آثاری مختلف از او در کلکسیون های دنیا مانند موزه ترفیقه Tenerife، موزه میرو Miro و... نگهداری می شود.  
 او از سال ۱۳۶۴ در دانشگاه های مختلفی مانند دانشگاه پردیس اصفهان، دانشگاه سوره، دانشگاه آمریکا و دانشگاه هنر سابقه تدریس دارد.  
 پازوکی تاکنون چندین نمایشگاه انفرادی در داخل و خارج از ایران برگزار کرده است.



دکتر عبدالحمید پازوکی

## دکتر عبدالحمید پازوکی

تهیه و تنظیم: شیوا بابایی

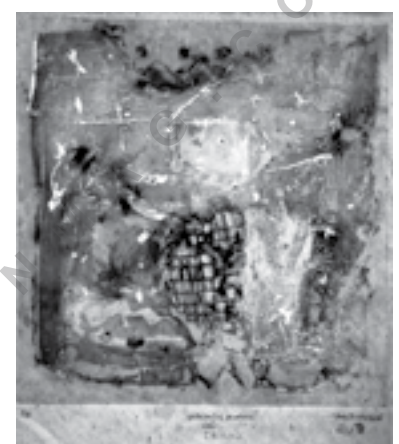
کارشناسی ارشد نقاشی دانشگاه تهران

### چیدمان: نقش چاپ دستی را در هنرهای تجسمی چه می دانید؟

ابزاری است که توانایی های بالقوه خود را دارد و تأثیر بصری آن به طور بالقوه بسیار بارز است. تأثیر چاپ دستی روی نقاش، مسئولیت یک فرم یا بیان بصری تجسمی را بالا می برد و به نوعی اخلاق کار نقاش را نظام مندتر می کند. و آن، به دلیل سیستم و تکنیکی است که هنرمند به کار می برد. به نظر من این بخش، مهم ترین نقش را در چاپ دستی دارد. چاپ دستی ابزاری است که بیان خاص خودش را دارد و در واقع هیچ ابزار دیگری این نوع بیان را ندارد و به دلیل خاص بودنش، مورد توجه نقاشان قرار می گیرد.

### چیدمان: ضرورت چاپ دستی برای هنرمند چیست؟

فکر می کنم نظام مند بودن چاپ دستی، برای جماعتی که نقاشی یا هر کار تجسمی دیگری می کنند، یک ضرورت است. به عبارتی، چاپ دستی فرآیند و فضایی بسیار خاص دارد و این فرآیند با هیچ تکنیک دیگری به دست نمی آید. همین ویژگی خاص است که به نقاش یادآور می شود از چاپ دستی استفاده کند.



عنوان اثر: عروسی روحوضی

تکنیک: چاپ نقاشی

سایز: ۴۶/۵ × ۴۵ سانتیمتر

سایز کاغذ: ۷۵/۵ × ۷۲ سانتیمتر

سال: ۱۳۸۷

**چیدمان: مشکل‌های چاپ دستی در ایران و عدم گرایش عمومی به این تکنیک را به چه علت می‌دانید؟**

مهم‌ترین بخش این مشکل‌ها در داخل دانشگاه‌هاست. کسی که تدریس می‌کند باید تجربه کافی داشته باشد. این که چه قدر آگاهی دارد، خیلی مهم است. بخشی هم برمی‌گردد به آگاهی ابزاری... یک آگاهی هنری و آگاهی بصری تجسمی، و چون کار چاپ، زمان‌بر است و پروسه خودش را دنبال می‌کند و مثل نقاشی فرآیند ساده‌ای نیست، هنرجو زمان زیادی را برای آماده کردن کلیشه صرف می‌کند. این کلیشه، چه خوب باشد و چه فلز و... وقت می‌برد تا به نتیجه برسد. پس اگر پشتوانه تجسمی ضعیف باشد، این تلاش به کاری بیهوده تبدیل می‌شود. به همین دلیل باید کسی که چاپ دستی را آموزش می‌دهد، هم به لحاظ تکنیک، بلکه به لحاظ فنی و تجسمی، این زبان بصری را به صورت حرفه‌ای بشناسد. در حال حاضر مدرسان فراوانی چاپ دستی را تدریس می‌کنند. این امر بسیار خوب است، اما به شرطی که بتوانند خوب آن را آموزش بدهند و پشتوانه تجسمی داشته باشند.

یکی دیگر از مشکلات چاپ دستی در ایران به لحاظ ابزاری، نبود کاغذ مخصوص چاپ، مرکب مخصوص، و دیگر لوازمات است.

**چیدمان: آیا زمان آرایه واحد درسی چاپ را در دانشگاه مناسب می‌دانید؟**

نخیر، به نظر من اصلاً مناسب نیست. فکر می‌کنم چاپ دستی نباید فقط برای یک ترم تدریس شود... خیلی بیشتر از این‌ها نیاز به آموزش دارد. به عبارتی اصلاً نباید یک واحد درسی باشد؛ باید یک رشته باشد تا بتوان در ابعاد وسیع‌تر به آن پرداخت. ایراد دیگر این است که دانشجویان در ترم‌های اول و دوم با مقوله چاپ آشنایی ندارند و به لحاظ طراحی هم

بسیار مبتدی‌اند. این که دانشجویان تجسمی را شناخته باشد و بداند چگونه از خط، رنگ و تکنیک استفاده کند، در خلق یک اثر هنری، بسیار مهم است. دانشجویان باید به زبان تصویر آشنا باشد و در نتیجه می‌تواند از تیراژ به صورتی هدفمند استفاده کند.

**چیدمان: به نظر شما بودن چاپگر در کنار هنرمند ضرورت دارد؟**

کدام چاپگر و کدام هنرمند؟! اگر بگوییم «چاپگر»، در خارج از ایران چاپگرانی وجود دارند که هنرمند می‌تواند با خیال صددرصد راحت کارش را تحویل‌شان دهد و دیگر به حضور هنرمند در طول انجام کار، نیازی نیست. هنرمند یک عدد کار چاپ‌شده را همراه کلیشه به چاپگر می‌دهد و از او می‌خواهد از آن، تیراژ بگیرد. پس یک چاپگر باید بتواند از لحاظ فنی به بهترین نحو کارش را انجام دهد. اگر هنرمند وقت تیراژ گرفتن نداشته باشد، مسلماً به چاپگر نیاز دارد.

**چیدمان: چگونه می‌شود در رواج چاپ دستی، رقابت ایجاد کرد؟**

تعلیم درست، ایجاد علاقه می‌کند. علاقه که به وجود آمد، دیگر رقابت معنا ندارد. بحث را نباید از طریق رقابت پیش برد؛ کافی است آگاهی به وجود بیاید. رقابت به نظر من اساساً در هنر جایگاهی ندارد.

**چیدمان: منظور از رقابت، بیش‌تر جا افتادن چاپ دستی است؟**

جا افتادن با رقابت فرق دارد، که آن هم باید از راه درست ایجاد شود. باید فرهنگ‌سازی شود. از طریق آگاه‌سازی سالم، معلم درست، کلاس درست، دانشگاه درست و گذاشتن بیش از دو واحد یا چند واحد کم چاپ دستی.

**چیدمان: ویژگی‌های مهم برای آثار چاپ دستی چیست؟**

در حد آکادمیک بحث تیراژ آن مهم است. به همین دلیل به آن گفته می‌شود «چاپ». اساساً در یک دانشکده سنتی در اروپا که رشته چاپ وجود دارد، دست‌کم پنج عدد تیراژ را از دانشجوی می‌خواهند و مهم‌ترین ویژگی چاپ دستی، تکثیر است. یک ویژگی مهم دیگر وجود دارد و آن احساس بین ابزار و انسان است و نتیجه آن، تأثیری است که آن احساس هنگام حکاکی بر کلیشه می‌گذارد؛ و تمام این ارتباط و احساس از طریق کلیشه روی سطحی که چاپ بر آن صورت می‌گیرد، منتقل می‌شود. در واقع چاپ دستی یعنی یک لحظه خاص و ناب بین ابزار و ذهن هنرمند. منظور من لحظه حک کردن است، که حتی بکرترین آن را در رابطه با چوب و انسان می‌بینم. شاید به دلیل نیروی طبیعتی است که در چوب جریان دارد.

**چیدمان: جایگاه چاپ دستی در هنر معاصر ایران چیست؟**

هنوز جایگاه خاصی در ایران ندارد. در واقع تازه شروع به کمی فعالیت کرده است و جایگاه اصلی‌اش فعلاً این است که مخاطبانی را که از آن بی‌خبرند با هنر چاپ دستی آشنا کند و با سرعتی بسیار کم در حال پیش‌روی است.

**چیدمان: در ۱۰ سال گذشته چه طور؟**

ما زیر صفر بودیم و شاید در این ۱۰ سال روی صفر قرار گرفته‌ایم. مثلاً نسبت به اروپا که هنرمندان و مخاطبان به نسبت روی چاپ دستی شناخت دارند و برای‌شان به شکل فرهنگ شده است، سنت مخصوص به خود را دارد. من در اسپانیا می‌دیدم کسی نبود که چاپ دستی را نشناسد و برای همین هم هست که سال‌های سال است چاپ دستی در آن‌جا به رشته‌ای مستقل تبدیل شده است. در ایران حرکتش را بسیار کند می‌بینم؛ به عبارتی حرکت را تند می‌بینم، اما پیشرفت و نتیجه مثبتش را کند. ■





مهرداد ختایی



نام اثر: آرایشگر  
تکنیک: حکاکی روی فلز  
سایز: ۷۶x۵۶ سانتیمتر  
سال: ۱۳۸۷

متولد ۱۳۵۵ تبریز.

کارشناس ارشد نقاشی از دانشگاه هنر و معماری آزاد اسلامی

تدریس در دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران از سال ۱۳۸۱-۱۳۸۰ تاکنون.

تدریس در دانشگاه بین المللی پردیس کیش دانشگاه تهران (کارشناسی ارشد) ۱۳۸۷-۱۳۸۸.

تدریس در دانشگاه الزهراء از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۳.

تدریس در جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران از سال ۱۳۷۵.

تدریس دانشگاهی دانشگاه هنر در سال ۱۳۸۰.

عضو هیأت داوران جشنواره هنر جوان در بخش طراحی ۱۳۸۷.

چهاردهمین بینال بین المللی گرافیک و چاپ دستی  
Ostrow، لهستان، ۱۳۹۰.

پانزدهمین بینال بین المللی چاپ دستی Sarcelles،  
فرانسه، ۱۳۹۰.

بینال بین المللی چاپ دستی، گوان لان، چین، ۱۳۹۰.  
هفتمین بینال بین المللی چاپ دستی معاصر، کانادا،  
۱۳۹۰.

فستیوال بین المللی چاپ دستی (مزوتینت)، روسیه،  
۱۳۹۰.

فستیوال بین المللی هنرهای تجسمی Persona، لندن،  
انگلستان، ۱۳۹۰.

نمایشگاه بین المللی چاپ دستی State Arkansas  
University، آمریکا، ۱۳۸۹.

دومین نمایشگاه بین المللی چاپ دستی PIPE ۲۰۱۰،  
مالزی، ۱۳۸۹.

سه سالانه بین المللی چاپ دستی Tallinn، استونیا، ۱۳۸۹.  
نمایشگاه بین المللی نقاشی و چاپ دستی Mock-Up Pop  
Inside/Outside-Up، اسکاتلند، ۱۳۸۹.

پنجمین بینال بین المللی چاپ دستی، پرتقال، ۱۳۸۹.  
نمایشگاه بین المللی هنرهای تجسمی ART NORD  
آلمان، ۱۳۸۹.

نمایشگاه بین المللی نقاشی و چاپ دستی در گالری  
tactile BOSCH انگلستان، ۱۳۸۸.

بینال بین المللی چاپ دستی، گوان لان، چین، ۱۳۸۸.  
فستیوال بین المللی هنرهای تجسمی، مونیخ، آلمان،  
۱۳۸۸.

نهمین بینال بین المللی چاپ دستی ایتالیا، ۱۳۸۷.  
نخستین بینال بین المللی چاپ دستی، استانبول، ترکیه،  
۱۳۸۷.

نمایشگاه بین المللی در گالری شرکت نویوتا، ملبورن،  
استرالیا، ۱۳۸۷.

منتخب سالانه طراحی و چاپ دستی، اهایو، آمریکا ۱۳۸۶.  
عضو انجمن نقاشان ایران - عضو انجمن بین المللی  
هنرمندان چاپ دستی کالیفرنیا، آمریکا- عضو انجمن  
بین المللی چاپ دستی.

دریافت لوح افتخار دوسالانه نگارگری موزه هنرهای معاصر  
تهران ۱۳۷۶.

دریافت لوح افتخار دوسالانه نگارگری موزه هنرهای معاصر  
تهران ۱۳۷۸.

تقدیر شده در بینال طراحی موزه هنرهای معاصر تهران  
۱۳۷۹

منتخب و دارنده لوح افتخار بینال و نمایشگاه های  
بین المللی:

شانزدهمین بینال بین المللی چاپ دستی Sarcelles،  
فرانسه، ۱۳۹۲.

بینال بین المللی چاپ دستی، والنسیا، اسپانیا، ۱۳۹۲.

پنجمین دوره فستیوال هنرهای تجسمی Egeart، ازبیر،  
ترکیه، ۱۳۹۲.

نمایشگاه بین المللی چاپ دستی، مرکز چاپ دستی  
نیوورک، آمریکا، IPCNY، ۱۳۹۲.

سه سالانه بین المللی چاپ دستی کراکوف Krakow،  
نمایشگاه Falun، سوئد، ۱۳۹۱.

هشتمین بینال بین المللی چاپ دستی معاصر، کانادا،  
۱۳۹۲.

دومین فستیوال بین المللی چاپ دستی (مزوتینت)،  
روسیه، ۱۳۹۲.

دوازدهمین نمایشگاه بین المللی Here, National/ Inter  
and Abroad، پیتزبورگ، آمریکا، ۱۳۹۱.

یازدهمین بینال بین المللی چاپ دستی ایتالیا، ۱۳۹۱.

سه سالانه بین المللی چاپ دستی کراکوف Krakow،  
نمایشگاه Krakow، لهستان، ۱۳۹۱.

ششمین بینال بین المللی چاپ دستی، پرتقال، ۱۳۹۱.

بینال بین المللی چاپ دستی، والاولید، اسپانیا، ۱۳۹۰.

بینال بین المللی چاپ دستی، والنسیا، اسپانیا، ۱۳۹۰.  
نمایشگاه بین المللی نقاشی و چاپ دستی (Pause Giving/  
Still Reflecting، نیوجرسی، آمریکا، ۱۳۹۰.

## مهرداد ختایی

تهیه و تنظیم: نگار السادات مرتضوی زاده<sup>[۱]</sup>، محبوبه آذرزاده

چیدمان: روند تغییر و تحول چاپ های دستی معاصر ایران را چگونه می بینید؟

متأسفانه این موضوع که چاپ یک وسیله و مدیوم و ابزاری است مثل رنگ روغن، مداد،  
قلم فلزی و... با آن هنرمند می تواند ذهنیت، جهان بینی، نگاه و فلسفه کار خود را ارائه

۱- کارشناسی ارشد نقاشی دانشگاه تهران

نماید، در ایران تعریف نشده است. البته با تفاوت‌های عمده‌ای که در بین آن‌ها وجود دارد. تا به امروز چاپ دستی در دنیا ۵۰۰ سال است که زنده مانده و تکنیک‌هایش متحول شده و تغییر پیدا کرده و هر هنرمندی مثل گویا، رامبراند، ویسلر، پیکاسو، هاکنی، چاک کلووز و... که در مقطع و دوره‌ای از تاریخ هنر بوده‌اند، با تکنیکی از تکنیک‌های چاپ دستی به مفاهیم درونی رسیده‌اند. در ایران به خاطر قضایای اقتصادی که در پس پرده جامعه هنری شکل می‌گیرد، در حال حاضر اندکی به چاپ اهمیت داده می‌شود و گالری‌داران به این سیاست رسیده‌اند که با قیمت‌های اندک چاپ دستی (تیراژ) قابلیت خرید و فروش بیشتری را دارند. اگر آثار هر نقاش چاپگری را بررسی کنیم، مطالعه‌ای خاص بر روی چاپ دستی در آثارش مشهود است. نمی‌دانم کارهای اچینگ لوسین فروید را دیده‌اید یا نه؟ پرتوهای متنوعی حکاکی کرده است.

هنرمندانی از این قبیل به چاپ دستی به‌عنوان وسیله‌ای نگاه می‌کنند که می‌توان با آن، نوع خاصی (یا متفاوت‌تری) از ذهنیتشان را ارائه داد. تأکید می‌کنم نوع خاصی! چرا نوع خاصی؟ به نظر من چاپ دستی نسبت به ابزاری مثل آب مرکب، آبرنگ، مدادرنگ و... سختی‌های خاص خود را دارد. منتهی امکانات و ویژگی‌هایی مثبتی دارد که واقعاً مخصوص خودش است.

زمانی که با ابزاری مثل زغال تصویری را شکل می‌دهیم، محدودیت‌هایی در روند شکل‌گیری تصویر ایجاد می‌شود که در چاپ دستی، محدودیت‌ها تبدیل به اتفاقات فی‌البداهه می‌شود. ویژگی اصلی چاپ فی‌البداهه بودنش است. این ویژگی در چاپ دستی برای هنرمندان کم تجربه در واقع هم‌وجه مثبت دارد و هم‌وجه منفی. از جمله فعل و انفعالات مواد شیمیایی که موجب شکل‌گیری بافت و... می‌شود را می‌توان از صفات مثبت چاپ شمرد.

اما از صفات منفی آن این که ذهنیت هنرمند و طراح کاملاً سرسپرده اتفاقات غیرقابل پیش‌بینی می‌گردد و طراح به سراغ ضعف‌های خود نمی‌رود. اما چاپ دستی برای یک حرفه‌ای که هوشمند و خلاق است در نتیجه‌های تعریف شده‌ای را مهیا می‌کند. به‌عنوان مثال قاعده‌ای را در لیفت‌گراند یا آکواتینت داریم که در تاریخ هنر همه طبق آن قواعد این تکنیک‌ها را کار کرده‌اند ولی اگر چاپگر معاصر با خلاقیت نسبت به قواعد کلاسیک چاپ نگاه مجددی داشته باشد به راحتی می‌تواند به یک سری برخوردهای فی‌البداهه دست یابد که واقعاً در تاریخ چاپ اتفاق نیفتاده باشد. این امکان را ذغال، مداد، مرکب یا رنگ به هنرمند و طراح کمتر می‌دهد. به نظر من این فی‌البداهه بودن اتفاقاتی که در چاپ رخ می‌دهد (به‌خاطر حرکت و ورود اسید و سایر مواد شیمیایی و سایر ابزاری که در چاپ استفاده می‌شود) دنیای وسیعی را برای هنرمند باز می‌کند به شرطی که ذهن او واقعاً درگیر آن باشد.

### چیدمان: نظر شما در مورد اصول و قانون تیراژ گرفتن در چاپ‌های دستی چیست؟

چاپ مدیوم یا ابزاری است که زبان تصویری خیلی گسترده‌ای را به اشخاص می‌دهد و به همین علت است که الان در اروپا هم نقاش از چاپ استفاده می‌کند هم تصویرگر و هم گرافیکست. امید که در ایران نیز به تدریج این تعریف و کاربرد چاپ دستی جا بیفتد.

متأسفانه در ایران بر روی مبحث تیراژ جبهه‌گیری می‌شود. به تعریف دیگر چون اثر چاپ دستی تک نسخه نیست (همانطور که می‌دانیم از یک پلیت می‌توان یک یونیک، یک آرتیست پروف و یک دبل‌پروف هم چاپ کرد) پس فاقد ارزش و اعتبار می‌باشد ولی برعکس در اروپا به این فرهنگ رسیده‌اند که چاپ بهانه‌ای است تا از یک پلیت بتوانیم پنجاه یا... نسخه بزنیم و این امر موجب این خواهد شد که از یک اثر هنری به تعداد بالا در مکان‌های مختلف بتوانیم ارائه دهیم و طبیعی است که فرهنگ تصویری جامعه روند تکاملی را طی خواهد کرد.

در اروپا یک کارمند ساده برای دیوار خانه‌اش اهمیت به‌سزایی قائل است از این رو هزینه‌ای در خور خودش نیز برای این فرهنگ قائل می‌شود. و برای مردم جا افتاده که چاپ تیراژ دارد و می‌توان از یک اثر تک چاپ گرفت یا یونیک گرفت، و تیراژ بهانه‌ای است که یک اثر به تعداد بالا در دست مردم برود. در ایران تیراژی که از یک اثر زده می‌شود پنج الی ده عدد است و دلیل ندارد که من پنجاه تیراژ چاپ کنم و بعد بدون فروش انباشته کنم. ولی در اروپا تیراژ به‌طور متوسط ۵۰، ۱۰۰، ۳۰۰ نسخه می‌باشد.

### چیدمان: جایگاه چاپ دستی معاصر ایران در بینال‌ها و سطح جهانی چیست؟

ده سال پیش فعالیت‌های خارج از کشور را از طریق بینال‌های بین‌المللی از جمله بینال ایتالیا، یا بینال چاپ دستی کانادا، اسپانیا، پرتقال، استانبول ترکیه، چین، لهستان و... بود که شروع کردم.

وقتی فینالیست بینال ایتالیا شدم (اولین باری بود که یک ایرانی جزو بیست و چهار هنرمند برگزیده شد و به فینال رسید). پس از آن از طرف بینال پرتقال به من ایمیل زده شد که بینال بین‌المللی چاپ دستی در پرتقال دارند و کارهای شما را از طریق بینال ایتالیا دیده‌ایم و درخواست شده بود که دو اثر را برای آن‌ها ارسال نمایم. این خیلی برایم عجیب بود که خودشان جستجو می‌کنند و هنرمندانی که به صورت حرفه‌ای چاپ کار می‌کنند را پیدا می‌کنند و با آن‌ها ارتباط برقرار می‌کنند. سپس در بینال کانادا نیز برگزیده شدم. توی ایمیل‌ها و دیالوگ‌هایی که داشتیم اکثراً این ذهنیت را داشتند که در ایران چاپ دستی به این شکل جدی و حرفه‌ای دنبال نمی‌شود.

نمایشگاه‌های تخصصی چاپ در ایران برگزار کردم و حتی سال ۸۲-۸۱ ویترونی تهیه نمودم و در آن کلوفون، پلیت گرازه، کاغذ پوستی‌های له شده و... همه را چیدم و به آن‌ها



آرایش دادم. در سال ۸۲-۸۱ کنسل پلیت درست کردم از آن چاپ گرفتم و در جلوی هر کار که روی دیوار بود پوشه درست کردم و درون هر پوشه پنج تیراژ داخل کاور، شماره زده شده و مرتب با بیوگرافی کامل گذاشتم ولی متأسفانه استقبالی نشد... کم کم متوجه شدم که کار چاپ در ایران تعریف لایقی ندارد. و در کشورهای مثل چک، لهستان و اسپانیا که چاپ خیز است انتظار یک چنین نمایشگاه‌هایی همراه با استقبال شایسته از آن می‌رود.

با سختی‌های زیاد نمایشگاه‌های انفرادی برگزار کردم. بعدها در موزه هنرهای معاصر اولین بینال چاپ به همت آقای احمد وکیلی شکل گرفت تا دو سال یکبار برگزار شود ولی اینکار نشد!

خلاصه سعی کردم فعالیت خودم را از طریق اینترنت و رفت و آمد به خارج از کشور با برگزاری بینال‌ها، جشنواره‌ها و گالری‌ها زیاد کنم و خدا را شکر در این مورد موفق شدم و در حال حاضر رزومه کاری‌ام را که نگاه کنید تعداد نمایشگاه‌ها و بینال‌هایی که در خارج از کشور شرکت کردم بیشتر از ایران است.

با اعتماد به نفس می‌گویم که من در این مدت ده سال با فعالیت‌هایی که در بینال‌های معتبر دنیا داشته‌ام، توانستم چاپ‌دستی ایران را در جوامع بین‌المللی معرفی کنم.

روزی بسته‌ای از لیتوانی برایم آمد. نوشته شده بود: من هنرمند، چاپگر و کلکسیون‌دار هستم و آثار (مینی‌پرینت) شما را در بینال لهستان دیدم و دوست دارم کارهای شما را بیشتر ببینم و داشته باشم و به رسم یادبود چند تا از کارهایم را برایتان ارسال می‌کنم. ضمیمه آن نامه چهار تا از کارهایم که لیتوگرافی، اچینگ، لیفت‌گراند و درای‌پوینت بود را با امضاء خودش برایم ارسال کرده بود. ما اگر بودیم این کار را می‌کردیم؟؟؟

روی حرف خود می‌ایستم و می‌گویم که در این ده سال توانستم توی دنیا جایگاهی برای هنر و چاپ‌دستی ایران باز کنم و الان اگر اکثر کتاب‌های بین‌المللی چاپ‌دستی دنیا را باز کنید حتماً برای ایران صفحه اختصاص پیدا کرده است. در حال حاضر دو سالی است که نسل جدیدی از هنرجویان (از جمله هنرجویان خودم) شروع به فعالیت جدی کرده‌اند.

**چیدمان: دلایل عدم استقبال از چاپ‌های دستی را چگونه ارزیابی می‌کنید و آینده آن را در هنر معاصر ایران چگونه می‌بینید؟**

سال ۸۴-۸۱ را نگاه کنید. تعداد افرادی که در ایران چاپ کار می‌کردند چند نفر بودند؟ خانم مینا نوری، آقای احمد وکیلی، آقای احمد امین‌نظر، دکتر همایون سلیمی، آقای عبدالحمید بازوکی، و خانم الهه مقدمی... چاپ‌دستی کار می‌کردند. ولی با نمایشگاه‌های تخصصی که این عزیزان برگزار کردند و با تدریس چاپ در دانشگاه‌های مختلف کشور، هنرجویانی پرورش دادند که شکل‌دهنده جامعه چاپ‌دستی معاصر ایران است. من خود نیز از سال ۱۳۸۰ در دانشگاه تهران تدریس چاپ نمودم و هنرمندان خوبی را در زمینه چاپ‌های دستی تربیت کردم و یک دوره تخصصی چاپ را در آموزشگاه خودم برگزار کردم که در آن دوره هم افراد حرفه‌ای شکل گرفتند.

چاپ‌دستی نسبت به گذشته یعنی اوایل دهه هشتاد رشد به‌سزائی داشته است. امید که جامعه هنرهای تجسمی ایران به چاپ دستی، ارزش و مقامی که شایسته آن است را اهدا کند. ■

متولد ۱۳۴۵ طالقان.

فوق دیپلم هنر از دانشگاه تربیت معلم تهران و لیسانس نقاشی از دانشگاه هنر تهران.

او در زمینه نقاشی و چاپ دستی فعالیت می‌کند و تحت تعلیم استادانی چون مرحوم ایرج زند (طراحی و نقاشی) و خانم مینا زوری (چاپ دستی) فعالیت کرده است. پایان نامه کارشناسی او با عنوان «سیلوگرافی و کالکوگرافی» به راهنمایی خانم مینا زوری بوده است.

از او در تابستان ۱۳۷۶ در مجله معیار شماره ۲۰ و در آذر ۱۳۸۵ در مجله تندیس شماره ۸۸، دو گفتگو به چاپ رسیده است.

او تاکنون چندین نمایشگاه انفرادی و جمعی برپا کرده است و در چند دانشگاه تدریس چاپ دستی داشته و هم‌چنان به تدریس مشغول است.



یوسف شریف کاظمی

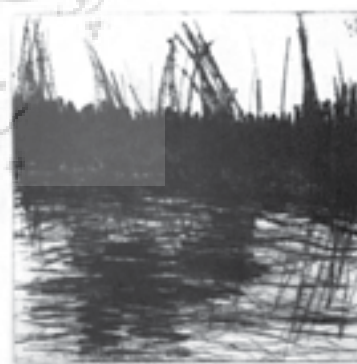
## یوسف شریف کاظمی

تهیه و تنظیم: شیوا بابایی

کارشناسی ارشد نقاشی دانشگاه تهران

### چیدمان: نقش چاپ دستی را در هنرهای تجسمی چه می‌دانید؟

در آغاز، چاپ با هدف تکثیر آثار هنری به منظور قیمت کم‌تر و مخاطب بیشتر انجام می‌شد؛ اما از قرن ۱۹ تاکنون با رشد ماشین‌آلات چاپ و در حال حاضر، چاپ‌های دیجیتال، هدف‌های اولیه تغییر کرد. با در نظر گرفتن تنوع مواد مصرفی و تکنیک‌های مختلفی که مورد استفاده هنرمندان است، چاپ دستی جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است. در مقطع‌های مختلف پیدایش سبک‌ها و تکنیک‌های مهم و تأثیرگذار هنری، چاپ دستی در مقام یک تکنیک نجات‌دهنده عمل کرده است؛ از جمله: پیدایش عکاسی، چالش‌های عمیقی را به وجود آورد که نتیجه آن، امپرسیونیسم بود و لیتوگرافی با لوترک و دیگر هنرمندان، شوک لازم را وارد نمود. در اوایل قرن ۲۰ با پیدایش مدرنیسم، هنرمندان اکسپرسیونیسم به کمک چاپ دستی، مخصوصاً سیلوگرافی و کالکوگرافی، پلی بین مدرنیسم و پست‌مدرنیسم به وجود آوردند. و اکنون که دنیای دیجیتال تمام اندیشه بشر را متحول کرده، به‌ویژه در دو دهه اخیر، چاپ دستی دوباره مورد توجه هنرمندان تجسمی خلاق‌تر، قرار گرفته است. در نتیجه اکنون، چاپ دستی به مثابه یک تکنیک منحصربه‌فرد، نه فقط برای تکثیر، بلکه به منظور جستجو برای پیدا کردن فضای بهتر



تکنیک: حکاکی روی فلز (یک کلمه با شیوه‌درای پوینت)

سایز: ۲۵×۲۵ سانتیمتر  
سال: ۱۳۸۷





و جذاب‌تر عمل می‌کند. شاید به دلیل وجود واسطه که سبب می‌شود، هنرمند در زمان خلق اثر، نتیجه را نبیند.

#### چیدمان: به نظر شما چاپ دستی در ایران چه مشکل‌هایی دارد؟

مهم‌ترین مشکل چاپ دستی در ایران، استادان چاپ دستی هستند؛ زیرا هرکس با سلیقه خود به آن می‌نگرد و دیگران را ناچیز می‌پندارد، در نتیجه برخورد مشترکی وجود ندارد یا کم‌تر دیده می‌شود. هرچند خانم نوری با چاپ کتاب کالکوگرافی قدم بسیار بزرگ و مهمی را در این راه برداشته‌اند، لیکن هنوز انسجام لازم در این زمینه اتفاق نیافتاده است. در آغاز قرن ۲۰ آتلیه «۱۷ هیتر» در لندن اصولی را پایه‌گذاری کردند که در سراسر دنیا هنوز هم آن اصول مورد توجه است. لیکن در مملکت ما هر استاد، اصول شخصی خود را به دیگران انتقال می‌دهد و معمولاً دیگران را قبول ندارد. حتی در جریان‌های مهم هنری نیز این وضعیت دیده می‌شود. از جمله اولین بینال چاپ دستی ایران نمایشگاه استاد... و دوستان و شاگردان ایشان به‌اضافه گنجینه موزه معاصر به‌همراه کلکسیون آقای دکتر... که تماماً کپی دانشجویی بود. این آثار روی دیوار موزه معاصر در کنار آثار اصل هنرمندان بزرگ قرار گرفته بودند. جالب این‌که هنرمندان مختلف در دوره‌ها و سبک‌های مختلف، همه روی یک نوع کاغذ چاپ شده و جالب‌تر این‌که تمام آثار با یک خودکار امضا شده آن هم در داخل اثر و جالب‌تر این‌که همه آن‌ها دو یا سه‌بار تا خورده بود که احتمالاً در داخل چمدان آقای دکتر جا نمی‌شد.

#### چیدمان: آیا زمان ارایه واحد درسی چاپ را در دانشگاه مناسب می‌دانید؟

بسیار بد! تمام هنرمندان چاپ دستی در طول تاریخ، هنرمندان نقاش بوده و هستند. لیکن در رشته نقاشی تنها یک واحد درسی چاپ دارند که در ترم اول ارائه شده که دانشجو از مبانی و طراحی و خلاقیت هیچ نمی‌داند. در رشته گرافیک، چهار واحد چاپ ارایه می‌شود، که این چهار واحد در طول دوران تحصیل تقسیم شده، لیکن بین دانشگاه‌ها و استادان، هیچ هماهنگی و اصول مشترکی دیده نمی‌شود. در نتیجه فارغ‌التحصیلانی که پس از دانشگاه، سواد بصری‌شان کامل‌تر می‌شود، برای یادگیری تکنیک‌های چاپ به دنبال آتلیه‌های خصوصی هستند که هزینه و وقت زیادی را تلف می‌کند. به نظر من برای رشته نقاشی، یادگیری دقیق و صحیح چاپ دستی، مخصوصاً سیلوگرافی و کالکوگرافی، به اندازه مبانی و طراحی، واجب و مهم است.

#### چیدمان: ویژگی‌های مهم برای آثار چاپ دستی چیست؟

داشتن اصولی که آتلیه ۱۷ هیتر تدوین کرده است، بسیار ضروری است؛ از جمله قابلیت تکثیر، داشتن حاشیه و سریال و... از همه مهم‌تر داشتن خلاقیت.

#### چیدمان: آیا وجود چاپگر در کنار هنرمند ضرورت دارد؟

کدام هنرمند؟ کدام چاپگر؟ در کنار پیکاسو و خوان میرو و... بله، ضروری است.

#### چیدمان: چگونه می‌شود در رواج چاپ دستی، رقابت ایجاد کرد؟

اگر بشود هنرمندان چاپ دستی را در زمینه فعالیت‌های تکنیکی چاپ دستی آموزش هماهنگ داد، می‌توان پس از آن به رقابت فکر کرد؛ اما در شرایط کنونی جامعه هنری ما رقابت بی‌معنی است.

چیدمان: آیا تکنیک اصولاً در چاپ دستی مهم است و می‌توان اولویتی برای آن قایل شد؟ گرایش شما به کدام تکنیک بیش‌تر است؟

اصولاً از نظر فنی، سیلوگرافی ساده‌تر است و یادگیری آن آسان‌تر و بعد کالکوگرافی،

لیتوگرافی که در ایران جای خالی آن بسیار آزردهنده است و سریگرافی بیش‌تر بعد کاربردی دارد. اما اولویت دادن به آن از نظر سلیقه هنری مانند آن است که پیرسیم قورمه‌سبزی بهتر است یا کوفته تبریزی؟ طبیعتاً شما قورمه‌سبزی و من کوفته تبریزی یا برعکس را انتخاب می‌کنیم. حال سلیقه شما مهم است یا انتخاب من؟

من مدت بیست سال است به‌طور مداوم و جدی سیلوگرافی و کالکوگرافی کار می‌کنم و به‌شدت به آن علاقه‌مندم و وابسته.

#### چیدمان: نظر شما در مورد روند چاپ دستی از دهه ۴۰ تاکنون در ایران چیست؟

هنرمندانی که در گذشته در کشورهای اروپایی و آمریکا تحصیل کرده‌اند، اصول فنی چاپ را آموخته و با خود به ایران آورده‌اند. اما بیش‌تر آن‌ها سختی و مشقت آماده‌سازی کارگاه و ملزومات چاپ را با نقاشی و طراحی تعویض کرده‌اند و کم‌تر ادامه دادند. معدود هنرمندانی که تلاش کردند، از جمله خانم نوری و امیرابراهیمی و دادخواه و حقیقت و...، با حمایت کانون پرورش فکری کودکان و آتلیه‌های خصوصی، سعی خود را کردند. بعضی‌ها هم مانند مرحوم روحبخش و سلیمی و... آثار چاپی خود را در خارج از کشور تولید کردند و در ایران به نمایش گذاشتند. اما چشم‌گیرترین و مهم‌ترین اقدام را خانم نوری انجام دادند. با اطمینان می‌توان گفت تنها کسی هستند که اصول صحیح چاپ دستی را مصرانه دنبال می‌کنند. اقدامات ایشان با انتشار کتاب چاپ سیلک‌اسکرین که چندین بار تجدید چاپ شده و نیز کتاب کالکوگرافی که اخیراً به چاپ دوم رسید، مهم‌ترین و معتبرترین منابع هستند؛ همچنین تدریس ایشان در دانشگاه و نمایشگاه‌های ایشان نشانگر تسلط و تعهد کامل ایشان به چاپ دستی است. ■

کارشناسی ارشد نقاشی پژوهش هنر، دانشگاه هنر تهران.

نقاش، چاپ‌گر و معلم هنر (هنرآموز).

برگزاری ۵ نمایشگاه انفرادی نقاشی، طراحی و چاپ دستی.

شرکت در بیش از ۲۵ نمایشگاه گروهی.

تألیف کتاب کارگاه چاپ دستی ۱ متوسطه فنی و حرفه‌ای.

چاپ ۴ مقاله در مجله‌های تخصصی هنری.

کارشناس و عضو کمیسیون برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی رشته‌های نقاشی و چاپ دستی متوسطه وزارت آموزش و پرورش.

پنج دوره برگزیده کشوری جشنواره هنرهای تجسمی وزارت آموزش و پرورش در بخش هنرآموزی.

پنج دوره داور استانی و دو دوره داور کشوری در جشنواره هنرهای تجسمی وزارت آموزش و پرورش.

۱۲ سال تدریس در دانشکده‌های مختلف.

مدرس ضمن خدمت کشوری چاپ دستی برای هنرآموزان متوسطه (دو دوره).

سرگروه آموزشی نقاشی متوسطه فنی و حرفه‌ای اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران (پنج سال).



همایون موسوی

## همایون موسوی

تهیه و تنظیم: شیوا بابایی

کارشناسی ارشد نقاشی دانشگاه تهران

### چیدمان: نقش چاپ دستی را در هنرهای تجسمی چه می‌دانید؟

به هر حال چاپ دستی به مثابه یک زبان بصری، مطرح است. یک چیزی است مثل نقاشی؛ یعنی نزدیک‌ترین زبان به چاپ، نقاشی است. مثل پدیده‌های هنری دیگر مسلماً نقش خاص خودش را دارد و البته نقش پررنگ و ضرورتی را که مثلاً نقاشی در جامعه هنری ما دارد، دارا نیست. عده‌ای با این زبان به بیان فلسفه، دیدگاه، احساس و عوالم ذهنی‌شان می‌پردازند. تعدادی از هنرمندان هم با استفاده از چاپ، که زبان و ابزار خیلی منحصربه‌فردی دارد، همراه با امکانات بصری خاص خودش (در عین محدودیت) هرچه بیشتر می‌توانند به این مقوله در کنار دیگر مقوله‌ها بپردازند و البته چاپ دستی می‌تواند نقش بیش‌تری داشته باشد. با استفاده از تکثیر، قیمت آثار چاپی پایین می‌آید (مثل آثار پیکاسو). با این‌که با استفاده از تیراژ، قیمت آثار پایین می‌آید، اما این امر برای این زبان نه تنها یک نقص محسوب نمی‌شود، بلکه امکانش است و می‌تواند یکی از دلایلی باشد که به رشد چاپ دستی کمک کرده است. یعنی کار اصلی (ورژینال) با قیمت پایین در اختیار مخاطب قرار می‌گیرد.

### چیدمان: به نظر شما بودن وجود چاپگر در کنار هنرمند ضرورت دارد؟

ضرورت که نه، اما می‌تواند باشد. هنرمند می‌تواند شخصاً از ابتدا تا انتها کارش را انجام دهد. کارگاه‌های اختصاصی چاپ دستی وجود دارند که می‌توانند به هنرمند کمک کنند شخصاً همه مراحل را انجام دهد. ممکن است چاپگر انجام همه کارها، حتی ساخت کلیشه را برعهده بگیرد، اما هنرمند طراحی و مراحل مقدماتی را با امضای خودش انجام می‌دهد.

چیدمان: آیا تکنیک اصولاً در چاپ دستی مهم است و می‌توان اولویتی برای آن قایل شد؟ گرایش شما به کدام تکنیک بیش‌تر است؟

هرکدام از تکنیک‌های چهارگانه چاپ دستی و تک چاپ‌ها، ویژگی‌های خاص خود را دارد و نمی‌شود اولویتی برای آن قایل شد؛ برای مثال با فضای ذهنی و کاری‌ای که دارم ترجیح می‌دهم چاپ کالکوفرافی انجام بدهم. این فضا بسیار شخصی است، و نمی‌توان برای اولویت یک تکنیک، حکم صادر کرد.

من مونوتایپ، کالکوفرافی، سریگرافی، سیلوگرافی و لیتوگرافی هم به شکلی گاه‌به‌گاه، در حد ساخت یک یا دو کلیشه کرده‌ام.



نام اثر: یک بار دیگر  
تکنیک سریگرافی (سیلک اسکرین)  
سایز: ۳۲/۵ × ۴۸/۵ سانتیمتر  
سال: ۱۳۹۰



برای شخص من خیلی فرق نمی‌کند؛ هرکدام از این تکنیک‌ها به حدی گسترده و وسیع هست که هرکدامش می‌تواند یک عمر انسان را مشغول کند؛ مثل نقاشی که انتهایش ندارد. روش‌ها در چاپ دستی (همان ویژگی) باعث محدودیت می‌شود.

### چیدمان: آیا زمان ارایه واحد درسی چاپ را در دانشگاه مناسب می‌دانید؟

به نظر من دقیقاً اشکال دارد که در ترم‌های ابتدایی ارائه می‌شود. به نظر من باید در ترم‌های بالاتر ارایه شود، زیرا ذهنیت دانشجویان شکل نگرفته، طراحی‌شان شخصیت خاصی پیدا نکرده و برای‌شان مشکل است. هر مشکلی در طرح زدن برای‌شان پیش می‌آید، مجبور می‌شوند طرحی را کپی و اقتباس کنند و در اصل، بیش‌تر درگیر تکنیک می‌شوند تا محتوا. مسأله محتوای آموزشی هم مهم است. محتوای آموزشی این درس در هر دانشگاه، با دانشگاه دیگر فرق می‌کند. برایم سؤال است چرا در برنامه محتوایی این درس در رشته نقاشی، تکنیک‌های لیتوگرافی و سیلک نیست؟ یا چرا واحد کالک‌گرافی (چاپ ۲) اختیاری است؟ در کارشناسی ارشد نقاشی چرا واحد چاپ دستی نیست؟ حکاکی روی چوب و لینولئوم چه اولویتی دارد که چاپ سربرگرافی ندارد؟

### چیدمان: مشکل‌های چاپ دستی در ایران و عدم گرایش عمومی به این تکنیک را به چه علت می‌دانید؟

ناهماهنگی و وجود اشکال در برنامه‌های آموزشی دانشگاه، به دلیل این که پرداختن به چاپ دستی نیاز به ابزار، امکانات و فضایی خاص دارد که به راحتی در دسترس همه نیست؛ در صورتی که برای نقاشی نیاز به این فضا، خیلی کم‌تر محسوس است. و هیچ‌گونه نظارتی نیست که در این درس چه نکاتی لازم به گفتن و چه درس‌هایی باید ارائه شود.

این جا هم همه چیز مشکل‌مُد دارد؛ برای مثال مینا نوری می‌گوید کسی که حکاکی روی فلز می‌کند، باید ویژگی‌هایی داشته باشد؛ همه فکر می‌کنند چاپ دستی را می‌شناسند. به عبارتی مدرسان ما هنوز به ویژگی‌ها و اصول چاپ دستی آگاه نیستند، چه برسد به عموم مردم، به جز تعدادی اندک که چاپ دستی را در مقام زبانی مستقل نگاه کرده‌اند.

دیگر چاپی مثل لیتوگرافی از بین رفته است و وقتی دانشگاه‌هایی مثل دانشگاه تهران باز شدند، دیگر رویکردی به چاپ نداشتند و درک نکردند می‌تواند یک زبان هنری باشد. در حالی که چاپ لیتوگرافی آن قدر امکانات و جذابیت دارد، که می‌تواند پیشی بگیرد. چرا چاپ دستی به همراه سایر رشته‌ها گسترده نیست؟ با این که امکان پرداختن و امکانت زیادی برای پرداختن آن هست، به علت راحت‌طلبی ایرانی و بریز و بپاش آن، کسی انجامش نمی‌دهد.

اما یک دلیل عدم گرایش عمومی به چاپ دستی در ایران، نبود آشنایی درباره اصالت نسخه‌های چاپ دستی است. در فرهنگ عمومی چاپ دستی با چاپ‌های دیگر مثل پوستری یکی است. انگار نسخه‌های چاپ شده ارزش کمی دارند. یعنی به مسأله چاپ، باوری وجود ندارد.

یک دلیل دیگر، راحت‌طلبی هنرمندان و گرایش‌شان به کارهایی است که انجامش راحت‌تر است.

شاید یک دلیل کلی هم وجود داشته باشد و آن این است که تاریخ ورودمان به دنیای جدید کم‌تر از یکصدسال است. در عرصه تحول‌های پی‌درپی هنری که از بیرون به ما رسیده است، چاپ دستی مورد غفلت قرار گرفته است. نکته مهم این است که وقتی روزنامه‌هایی مثل نشر در حال انتشار بودند، از چاپ سنگی برای نشر - و نه برای هنر - استفاده کردند.

ناشران روزنامه از چاپ سنگی به چاپ سربی روی آوردند. انگار آقایانی مثل میرزا تراب غفاری کار خودشان را کار هنری نمی‌دانستند. در اصل، فرهنگ استفاده از چاپ از همان زمان تا به امروز نبوده و نیست.

### چیدمان: ویژگی‌های مهم برای آثار چاپ دستی چیست؟

یک کار اصیل چاپ دستی دارای تیراژ (تعداد نسخه‌های مشابه) مشخص است. شباهت نسخه‌های مشابه با یکدیگر باید در حدی باشد که یک چشم غیرمتخصص به راحتی نتواند تفاوت آن‌ها را تشخیص دهد. وجود حاشیه در اطراف کار (به جز در موارد استثنایی در لیتوگرافی) از مشخصات یک کار چاپ دستی است. تأیید نسخه‌های همانند و امضای آن‌ها شخصاً توسط خود هنرمند انجام می‌شود. تمام نسخه‌های امضا شده یک اثر چاپ دستی ارزشی مستقل و حکم یک اثر اصل را دارند.

### چیدمان: جایگاه چاپ دستی در هنر معاصر ایران چیست؟

در حد مقام و شأن هنر ایران نیست. هنر ایران در بسیاری از شاخه‌ها گسترش و پیشرفت داشته است. چاپ دستی با این که در سال‌های اخیر رشدی به خصوص داشته است، فاصله زیادی با جایگاه اصلی‌اش دارد.

### چیدمان: نظر شما در باره چاپ دستی از دهه ۴۰ تا کنون چیست؟

فکر می‌کنم چاپ دستی از دهه ۴۰ دانشگاهی شده است، اما باز هم به جز چند هنرمند، برای عموم هنرمندان مورد غفلت بوده است. تعداد کمی از هنرمندان به این روش ادامه دادند و شاید نقاشی کردن‌شان باعث شده است که هم‌اکنون چاپ دستی حیات داشته باشد. چاپ سیلک اسکرین از دهه ۴۰ در پوسترسازی استفاده می‌شد، اما به عنوان Printmaking (چاپ دستی) هنوز آن چنان توجهی به آن نشده است. به نظر می‌آید برنامه‌ریزان فرهنگی در دهه‌های گذشته درک بیشتری از مقدمه چاپ دستی داشته‌اند که آثار چاپ دستی خریداری نمودند، این آثار در کنار آثار نقاشی در گنجینه موزه به عنوان دارائی‌های فرهنگی مملکت است. در سال‌های اخیر بهتر شده و روبرو رشد گذاشته است. جامعه جوان ما اینک آگاهانه‌تر به قضیه نگاه می‌کند. کارگاه‌هایی به وجود آمده، به عبارتی فضا بازتر شده و گرایش هنرمندان به خصوص جوانان بیشتر شده است. از لحاظ اقتصادی جایگاه خاصی پیدا نکرده است که توجیهی ندارد. ■

متولد ۱۳۴۵، قروه، کردستان، سنندج.  
کارشناس ارشد نقاشی از دانشگاه هنر، عضو هیئت علمی دانشگاه سوره.  
دانشجوی دکتری پژوهش هنر.  
برپایی ۲۶ نمایشگاه انفرادی و بیش از ۷۰ نمایشگاه گروهی در ایران و خارج از کشور.  
برنده جایزه طبیعت از منظر شرق.  
برگزیده چهارمین پیمال نقاشی جهان اسلام.  
برگزیده تصویرسازی نوامی ژاپن.  
تصویرگری کتاب برای کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان.  
تالیف و تصویرگری کتاب حیوانات نازیب.



رضاهدایت



نام اثر: بدون عنوان  
تکنیک: چاپ لیتو  
سایز: ۲۵ × ۲۰ سانتیمتر  
سال: ۱۳۸۲

## رضا هدایت

تهیه و تنظیم: شیوا بابایی

کارشناسی ارشد نقاشی دانشگاه تهران

### چیدمان: نقش چاپ دستی و ضرورت آن را در هنرهای تجسمی چه می دانید؟

چاپ دستی یکی از شاخه های مهم در هنرهای تجسمی است. چاپ دستی علاوه بر تکنیک، نقش به سزایی در روند آفرینش و پرورش استعداد دارد. به عبارتی این ابزار می تواند نتیجه صبر و بردباری هنرمند در ایجاد فضای تجسمی باشد. به عبارتی چاپ دستی یکی از تمرین های هر هنرمند برای آفرینش اثر هنری، مثل بیش تر شاخه های هنری، چاپ دستی از جذابیت ویژه ای برخوردار است که در هر کدام از تکنیک های چاپ دستی ویژگی های منحصر به فردی وجود دارد که تجربه کردن آن به شیوه های دیگر غیرممکن است. همین ویژگی باعث می شود که هنرمندان جذب چاپ دستی شوند. می توان گفت چاپ دستی ماحصل بینش و درک درست از هنرهای تجسمی است.

### چیدمان: ویژگی های مهم برای آثار چاپ دستی چیست؟

یکی از امکانات چاپ دستی، تکثیر آن است. کسانی که به این رشته تمایل دارند، می توانند از یک اثر به فراخور تکنیکی که انتخاب می کنند از کلیشه تیراژ بگیرند. دوم این که هر اثر به خودی خود باید واجد شرایط یک اثر بصری باشد. تیراژ در چاپ دستی حائز اهمیت است. اصولاً هماهنگی و یکدست بودن نسخه ها می تواند در ارزش گذاری اثر، مورد توجه قرار گیرد. متأسفانه مسأله تیراژ در دانشگاه ها کم تر مورد توجه است. شاید این قضیه به دلیل عدم زمان کافی در طول زمان تدریس باشد. قاعدتاً هنگام برپایی نمایشگاه، کلیشه های نابود شده هم باید ارایه شود تا بیننده و خریدار از صحت تعداد تیراژ مطمئن گردند. مقایسه آثار تیراژی دارای اهمیت فراوان است.

### چیدمان: مشکلات چاپ دستی در ایران و عدم گرایش عمومی به این تکنیک را در چه می دانید؟

عمده ترین مشکل چاپ دستی در ایران، عدم آشنایی کافی جامعه هنری و مخاطبان آن هاست. اگر در آموزش های ابتدایی از تکنیک چاپ دستی به عنوان یک بازی ذهنی استفاده می شد (در سطوح ارایه آموزش) مسلماً افراد بیش تری جذب این رشته می شدند و حتماً ترغیب می شدند که در آینده به نوعی از این تکنیک بهره ببرند. اما عدم وجود آموزش صحیح در مدارس و هنرستان های هنری، هنرجویان را دل زده می کند. یکی دیگر از عوامل، نداشتن و نبودن فضای مناسب، چه برای هنرجو و چه برای هنرمندان است



که خود این عامل نقش بسیار مهمی در بازدارندگی آن دارد.

**چیدمان: آیا آرایه درس چاپ دستی را در دانشگاه‌ها مناسب می‌دانید؟ چرا؟**

خیر، مناسب نمی‌دانم؛ چون چاپ دستی در ترم‌های اول ارائه می‌شود، در حالی که دانشجوی هنوز آشنایی درستی از اثر هنری ندارد و اصول و مبانی هنرهای تجسمی را به درستی نمی‌شناسد، بنابراین با واحد چاپ دستی، برخوردی غیرحرفه‌ای می‌کند و انجام آن تنها برای رفع تکلیف و پاس کردن واحد است. به اعتقاد من اگر چاپ درسی در ترم‌های پایانی ارائه شود، بهتر و کارسازتر است. چون در ترم‌های بالاتر، دانشجو پیش‌ازپیش درگیر بیان شخصی می‌شود، همین امر می‌تواند انگیزه خوبی برای دانشجویان باشد. در این صورت امکان رشد و اعتلای چاپ دستی امکان‌پذیرتر است.

**چیدمان: جایگاه چاپ دستی در هنر معاصر چیست؟**

در زمان‌های گذشته یکی از دلایل توسعه چاپ دستی، ارزان بودن آن نسبت به تابلوهای تک‌نسخه بود. همین ویژگی باعث گرایش روزافزون هنرمندان به چاپ دستی شد؛ چون استقبال مخاطب نقشی تعیین‌کننده داشت. اما در ایران کم‌تر به این ویژگی توجه می‌شد و بیش‌تر میل باطنی هنرمند بود که او را به این رشته سوق می‌داد. در کشورهای دیگر جایگاه چاپ دستی، نه تنها کاهش پیدا نکرده است، بلکه اقبال عمومی هم به آن بیش‌تر شده است. به عنوان نمونه در کشور فرانسه هر سال شاهد نمایشگاه‌های محلی و منطقه‌ای هنرمندان چاپ دستی هستیم.

**چیدمان: آیا وجود چاپگر در کنار هنرمند ضرورت دارد؟**

خلق اثر هنری و آفرینش اولیه، وظیفه هنرمند است. این هنرمند است که چگونگی ترکیب‌بندی و بیان تصویری را در کلیشه مشخص می‌کند، اما اغلب در کشورهای اروپایی، وجود چاپگر حتمی است؛ زیرا چاپگرها به دلیل تجربه، مهارت فراوانی در تیراژهای یکسان دارند. به همین دلیل لزومی ندارد که هنرمند وقتی را که می‌تواند صرف آفرینش اثر بکند، پای گرفتن تیراژ بگذارد. متأسفانه در ایران به دلیل عدم رونق چاپ دستی، وجود چاپگر نیز امکان‌پذیر نیست.

**چیدمان: چگونه می‌توان در رواج چاپ دستی، رقابت ایجاد کرد؟**

یکی از وظایف مراکز آموزشی، فرهنگی و اجتماعی، بسط و گسترش هنر است. صدا و سیما، آموزش و پرورش و شهرداری‌ها وظیفه دارند که در ایجاد زمینه‌های هنری مراکز را ایجاد کنند تا از این طریق بیش‌تر مردم بتوانند با آثار هنری از جمله چاپ دستی آشنا بشوند. از این‌ها مهم‌تر، دانشکده‌های هنر می‌باشند؛ زیرا دانشکده‌های هنر می‌توانند محفلی مناسب برای آموزش صحیح و ایجاد رقابت باشند. همچنین می‌توانند پلی باشند بین مراکز فرهنگی، تجاری و اداری.

**چیدمان: آیا تکنیک اصولاً در چاپ دستی مهم است و می‌توان اولویتی برای آن قایل شد؟ گرایش شما به کدام تکنیک بیش‌تر است؟**

انواع تکنیک‌های چاپ دستی، هرکدام جذابیت خاص خود را دارند؛ اما گرایش هر هنرمند به یکی از رشته‌ها، بیش‌تر بستگی به نوع کاربردی دارد که هنرمند از آن انتظار دارد. برای من تکنیک اچینگ جذابیت بالایی دارد، اما بیش‌ترین استفاده را از چوب و لینولئوم می‌کنم. دلیل آن هم کاملاً شخصی است؛ همان‌طور که در نقاشی‌های من سطوح، تخت و یکدست هستند، چاپ لینولئوم (Linoleum cut) یا چاپ سیلوگرافی (Xylography)، بهترین گزینه هستند و قاعدتاً من نیازی به سایه و نیم‌سایه ندارم که بخواهم مثلاً از تکنیک‌های کالکوگرافی استفاده کنم. یکی از گرایش‌های من در

چاپ دستی، تکنیک سیلک‌اسکرین است و به دلیل امکانات فراوانی که دارد، امیدوارم به‌زودی دست به تجربه‌هایی در این زمینه بزنم و خوب، مطمئن هستم که هیچ‌کدام از تکنیک‌ها نسبت به هم برتری ندارند و صرفاً پرمشقت بودن یک تکنیک، دلیل بر اولویت آن نیست. برای مثال در فرش، طرح و رنگ آن مهم است، نه رج و گره.

**چیدمان: نظر شما درباره روند چاپ دستی از دهه چهل تاکنون در ایران چیست؟**

طبیعتاً یکی از شاخه‌های هنرهای تجسمی بعد از تأسیس دانشکده‌های هنری، رشته‌های چاپ دستی بود و هنرمندان کم‌وبیش با آن آشنا می‌شدند. اما از همان زمان مشکلات ایزاری و مکانی برای هنرمند وجود داشت. کم بودند هنرمندانی که در این زمینه فعالیت بکنند. در دوره‌ای، چاپ دستی از نظر تکنیک تنها خلاصه شده بود به چاب حکاکی روی چوب (Xylography)، اما الان چند سالی است که چاپ دستی رواج پیدا کرده و رونق یافته است. نقش آموزش‌های خانم مینا نوری در تکمیل این روند، ستودنی است و قابل چشم‌پوشی نیست. نمایشگاه‌های مستقل خود او، به نوعی ایجاد انگیزه در بین دانشجویان بوده است. بعدها کسان دیگری مانند ثمیلا امیرابراهیمی، احمد امین‌نظر و احمد وکیلی در رواج این رشته نقش به‌سزایی داشتند. امروزه تعداد مربیانی که در این رشته دارای مهارت و تجربه هستند، سهم مهمی در گسترش چاپ دستی دارند. ■

متولد ۱۳۳۳ بروجرد.  
کارشناسی ارشد تربیت مدرس رشته نقاشی.  
شرکت در بینال های دهه ۶۰.  
برگزاری نمایشگاه های گروهی.  
مدرس چاپ در دانشکده های هنری.



عباس یزدی

## عباس یزدی

تهیه و تنظیم: شیوا بابایی

کارشناسی ارشد نقاشی دانشگاه تهران

**چیدمان: نقش چاپ دستی و ضرورت آن را در هنرهای تجسمی چه می دانید؟**

از نظر من، چاپ دستی مانند دیگر تکنیک ها و در کنار آن ها کامل کننده هنرهای تجسمی است. چاپ را با تکنیک هایی مثل گواش، آبرنگ و رنگ روغن مقایسه می کنم که تأثیر خاص خود را بر مخاطب می گذارد.

**چیدمان: ضرورت چاپ دستی برای هنرمند چیست؟**

به نظرم لازم و ملزوم هستند. بعضی از هنرمندان به امکانات بیانی چاپ نیاز دارند تا بهتر بتوانند مفهوم خود را برسانند. برخی از هنرمندان با یک تکنیک چاپ، سازگاری می یابند و ارتباط برقرار می کنند. برای مثال، هنرمندی مثل دگا برای بیان، به سمت پاستل می رود، یا رامبراند معمولاً با تکنیک اچینگ کار می کرد و دومیه که از لیتوگرافی استفاده ای بیش تر می کرد.

**چیدمان: به نظر شما چاپ دستی در ایران چه مشکلاتی دارد؟ آیا گرایش عمومی به این تکنیک به قدر کافی بوده است؟**

فکر می کنم گرایش عمومی لازم نیست؛ هرچند که گرایش به چاپ دستی کاربردی (مثل چاپ قلمکار و چاپ باتیک) بسیار است؛ و سفارش کار آن قدر زیاد است که چاپگر گاه قادر به پاسخگویی به نیازها و سفارش ها نیست. امکانات در چاپ دستی خیلی مهم است. در رشته ای مانند نقاشی به امکانات نیاز چندانی نداریم، ولی در زمینه چاپ، به کارگاه های خصوصی و همین طور مدرس حرفه ای نیاز داریم. ولی متأسفانه در ایران هیچ کدام از این دو مورد به اندازه کافی وجود ندارد. در واقع مدرس به شاگرد درست آموزش نمی دهد؛ چون درست روش آموزش چاپ را یاد نگرفته است. مشکل دیگر این است که متون ترجمه شده و تالیفی در این میدان بسیار کم است و همان اندک هم -بجز چند کتاب از خانم نوری- اغلب اطلاعاتی ناقص، کهنه و گاه نادرست از چاپ در غرب ارائه می دهد. مشکل دیگر، نبودن فروشگاه های عرضه کننده وسایل مورد نیاز چاپ دستی به مقدار کافی است. همین امر باعث شده است این وسایل در همان اندک فروشگاه ها با قیمتی بسیار گران تر از مبلغ اصلی و کیفیتی نامرغوب، عرضه شود.



نام اثر: در کوچه باد می آید  
تکنیک: منویرینت روی اچینگ و آکواتینت  
سایز: ۴۲x۳۰ سانتیمتر  
سال: ۱۳۹۲



**چیدمان: آیا زمان اراییه واحد درسی چاپ را در دانشگاه مناسب می دانید؟**

زمان اراییه این واحد در همه دانشگاهها، یکی نیست؛ در دانشگاههای سوره، تهران و جهاد، همان ترمهای اول ارائه می شود. فکر می کنم ساعت زمان کار، مهم تر است؛ مثلاً در دانشگاه تهران یک ساعت ونیم کار می کنند. به نظر من سه عامل: امکانات، زمان کار کردن در کلاس و استاد، بسیار برای انتقال اطلاعات مناسب به دانشجویان، مهم است. مثلاً در دانشگاه آزاد استاد چاپ حرفه ای دارند، اما چون امکانات کافی نیست، استاد هم نمی تواند دانسته هایش را به درستی انتقال بدهد. اینها به نظرم مهم تر از زمان ارائه اند.

**چیدمان: ویژگی های مهم برای آثار چاپ دستی چیست؟**

چاپ دستی هم مثل بقیه تکنیکهاست. هر تکنیکی طراحی خاص خودش را می خواهد. چاپ هم تکنیکها و فضای خاص خود را دارد. اگر مجبور باشم تفکیک بکنم، می گویم در چاپ سیلک باید سطوح تفکیک شده داشته باشیم یا در چاپ اچینگ، طراحی باید خطی و هاشورها قوی باشد. برای چاپ لینولئوم سطح و بافت و شیاریهای آن مهم است. در واقع باید ایده مان را به زبان چاپ نزدیک کنیم، و این، از ویژگی های چاپ است که بسته به نوع طراحی مان از تکنیک مخصوص استفاده شود.

**چیدمان: جایگاه چاپ دستی در هنر معاصر چیست؟**

به نظر من این، سؤالی بسیار مهم است. امروزه هنر معاصر به یک سرمایه گذاری بی خطر و بی ضرر تبدیل شده است. یک اثر نقاشی، سقوط قیمت ندارد. چاپ دستی هم اثری هنری است که راحت می شود آن را خرید و فروخت، قابلیت تکثیر هم از ویژگی های مهم آن است.

**چیدمان: آیا وجود چاپگر در کنار هنرمند ضرورت دارد؟**

بله. در ایران هنرمند چاپگر کم داریم و چاپگرها بیش تر درگیر تکنیک هستند تا خلق اثر هنری. بیش تر چاپگرها تکنسین هستند و به جنبه هنری اثر توجه ندارند؛ به عبارتی بیش تر درگیر تکنیک هستند تا مفهوم. به قول نیما یوشیج: «آی نی زن! کجایی؟ که آوای نی تو را برده است دور از ره...»

**چیدمان: چگونه می توان در رواج چاپ دستی، رقابت ایجاد کرد؟**

برگزاری مسابقه ها، بینالها و ایجاد گرایش های دانشگاهی خاص چاپ دستی می تواند چنین رقابتی را ایجاد کند.

**چیدمان: آیا اصولاً در چاپ دستی تکنیک مهم است یا می توان اولویتی برای آن قایل شد؟ گرایش شما بیش تر به کدام تکنیک است؟**

خیر. از نظر من تکنیکها فرقی نمی کنند. هر هنرمندی به یکی از آنها علاقه مند می شود و از همان تکنیک استفاده می کند. گرایش من بیش تر به سریگرافی است، ولی کالکوگرافی با کارهایم سازگارتر است. چون بیش تر در زمینه سریگرافی تجربه دارم، بیش تر هم از آن استفاده می کنم؛ ولی برای نقاشی از کالکوگرافی استفاده می کنم.

**چیدمان: نظر شما در باره روند چاپ دستی از دهه ۴۰ تاکنون در ایران چیست؟**

بسیار خوب بوده است. مثلاً اگر فرض را بر این بگیریم که جمعیت ایران در آن سالها ۲۰ میلیون نفر بوده است، چاپگر ما هم صدنفر بوده است. اکنون جمعیت ایران، سه برابر و جمعیت هنرمندان، روشنفکرها، نقاشها و چاپگرها چندین برابر شده است. این افزایش کمیته خواه ناخواه افزایش کیفیت را به همراه دارد. ■